

سوال

برای متقیان در قبرشان چه اتفاقی می افتد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

دلایل بسیاری وارد شده مبنی بر اینکه مومن بل فضل و رحمت الله در قبر خود از نعیم برخوردار می شود تا آنکه قیامت برپا شود و سپس به نعیم و خوشی بهشت منتقل می شود که تمامی ندارد. الله متعال ما را از اهل بهشت بگرداند.

برخی از انواع نعیم مومن در قبر:

۱- برایش از فرش های بهشت گسترده می شود.

۲- و لباس بهشتیان به او پوشانده می شود.

۳- و برایش دری به سوی بهشت می گشایند تا نسیم و بوی خوش بهشت به او برسد و چشمانش با دیدن نعمت های بهشت روشن گردد.

۴- و قبرش فراخ می گردد.

۵- و به خشنودی و بهشت الله مژده داده می شود، برای همین مشتاق می شود که قیامت زودتر برپا شود.

براء بن عازب - رضی الله عنه - می گوید: برای تشییع جنازه ی مردی از انصار، همراه با رسول الله ﷺ رفتیم. وقتی به

گورستان رسیدیم، مردم مشغول حفر لحد بودند. رسول الله ﷺ رو به قبله نشست و حاضرین گرد او نشستند. ما چنان بی

حرکت به سخنان آن حضرت گوش می دادیم که گوئی بالای سر ما پرندگان نشسته اند. رسول الله ﷺ در حالی که چوب

کوچکی در دست داشت و آن را پیش روی خود در زمین فرو می برد و گاهی بسوی آسمان و گاهی به زمین نگاه می کرد،

فرمود:

استعینوا بالله من عذاب القبر، (مرتین او ثلاثاً) ثم قال: اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر (ثلاثاً)

(از عذاب قبر، به خدا پناه جوئید. این را سه بار فرمود، سپس گفت: پروردگارا! از عذاب قبر به تو پناه می آورم)

سپس فرمود: «بنده ی مومن، وقتی از این دنیا بسوی آخرت می رود، فرشتگانی با چهره های درخشانی مانند خورشید از آسمان بسوی او فرود می آیند. آنان کفن ها و مواد خوشبوئی از بهشت همراه دارند. تا جایی که چشم مومن کار کند اطراف او می نشینند. سپس، ملک الموت (فرشته ی مرگ) می آید و بالای سرش می نشیند و می گوید: ای روح پاک (و در حدیثی دیگر، ای نفس مطمئنه) بشتاب به سوی مغفرت و خوشنودی ای که از جانب الله برای تو مهیا شده است. روح آن مومن مانند چکیدن قطره از مشک آب بیرون می شود و فرشته ی موت آن را می گیرد. (در روایتی آمده : هر وقت روح مومن بیرون می آید، تمام فرشتگان موجود میان زمین و آسمان و تک تک فرشتگان آسمان برای او دعای مغفرت می خوانند. تمام درهای آسمان برای او باز می شوند. دربانان آسمان، تمنا می کنند که آن روح از ناحیه ی آنها به آسمانها برده شود) وقتی فرشته ی موت روح او را قبض می کند، فرشتگان حاضر، بلافاصله آن را از او گرفته و در کفن های بهشتی می گذارند و با مواد خوشبوئی که همراه دارند آن را معطر می سازند. آیه ی **تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ** (فرشتگان ما کوتاهی ننموده و جان او را می گیرند). به همین معنی اشاره دارد. چنان عطر و بوی خوشی از کفن ها بیرون می آید که نظیر آن هرگز بر روی زمین دیده نشده است. فرشتگان آن روح را به آسمان ها می برند. از کنار هر گروهی از فرشتگان که می گذرند، آنها می گویند: **ما هذا الروح الطيب؟** این روح پاکیزه از آن چه کسی است؟ فرشتگان در جواب با ذکر بهترین نامی که او در دنیا داشته است می گویند: فلانی فرزند فلانی است. وقتی به آسمان دنیا (نزدیک ترین آسمان به زمین) می رسند، دروازه ی آسمان گشوده می شود. فرشتگان مقرب هر آسمان تا آسمان دیگر آن را تشییع می کنند تا زمانی که به آسمان هفتم می رسند. خداوند متعال می فرماید: **أَكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِ فِی عَلِیْنِ** (کتاب [اعمال] بنده ی مرا در علین بنویسید). کتاب او در علین نوشته می شود. بعد از جانب خداوند حکم می شود: او را به زمین برگردانید، چرا که من وعده کرده ام که: آنان (انسانها) را از زمین آفریده و به زمین برگردانم و بار دیگر آنها را از زمین بیرون بیاورم. هنگامی که روح بسوی زمین برگردانده شود، و دوباره در جسد قرار گیرد صدای پای دوستان و خویشاوندان خود را که تازه از دفن فارغ شده اند و بر می گردند، می شنود. بلافاصله دو فرشته بصورت ترسناک نزد او می آیند. او را می نشانند و از وی می پرسند: **من ربك؟** پروردگارت کیست؟ می گوید: پروردگار من الله است. می پرسند: دینت چیست؟ می گوید: دین من اسلام است. سوال می کنند: این مرد که میان شما مبعوث شده است، چه کاره است؟ می گوید: او رسول خدا ﷺ است. سوال می کنند: در دنیا چه عمل نموده ای؟ می گوید: قرآن خدا را خواندم و به آن ایمان آوردم و آن را تصدیق کردم. آن فرشتگان بار دوم با خشونت تمام همان سوالها را تکرار می کنند. این آخرین امتحانی است که بر انسان مومن عرضه می شود. آیه ی **يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا** به همین لحظات حساس و خطیر اشاره دارد. مرد مومن همان پاسخ ها را تکرار می کند. از آسمانها ندا می آید: **بنده ی من راست می گوید.** فرش بهشتی برایش پهن کنید و لباس بهشتی بر او بپوشانید و دری به سوی بهشت برایش بگشایید. آنگاه نسیم خوش بهشت از آن روزنه به مشامش می رسد. و تا جایی که چشمش کار می کند قبرش توسعه داده می شود. سپس مردی زیبا و خوش

چهره با لباس خوب و معطر، نزد او می‌آید و می‌گوید: رضایت پروردگار و باغ‌هایی که نعمت‌های جاودان دارند، بر تو مبارک باد. این همان روزی است که در دنیا به تو وعده داده شده بود. انسان مومن از آن مرد خوش چهره و زیبا سوال می‌کند: تو چه کسی هستی؟ می‌گوید: من عمل صالح تو هستم. آنگاه دری از جانب بهشت و دری از جانب دوزخ باز می‌شود و در حالیکه به دوزخ اشاره می‌شود، به او گفته می‌شود: این (دوزخ) منزل تو بود، اگر در دنیا معصیت می‌کردی. اکنون خداوند در عوض آن، این بهشت (اشاره به بهشت) را به تو داده است. وقتی چشم آن مرد مومن به نعمت‌های درون بهشت می‌افتد می‌گوید: پروردگارا قیامت را هر چه زودتر برپا کن تا من سریعتر نزد فامیل و مال خود برگردم....

به روایت احمد (۱۷۸۰۳) و ابوداود (۴۷۵۳). علامه آل‌بانی در احکام جنایز (۱۵۶) آن را صحیح دانسته است.

۶- خوشحالی از دیدن جایگاه خود در آتش که خداوند به جای آن جایگاهی در بهشت به وی ارزانی داشته است.

امام احمد (۱۰۵۷۷) از ابوسعید خدری روایت کرده که گفت: همراه با رسول الله ﷺ در تشییع جنازه‌ای حاضر بودم، پس ایشان ﷺ فرمودند: ای مردم این امت در قبرهایشان مورد آزمایش قرار می‌گیرند، پس هرگاه انسان دفن شود و اصحابش از نزد او پراکنده گردند فرشته‌ای به نزد او می‌آید که پتکی در دست دارد، پس او را می‌نشانند و می‌گویند: درباره‌ی این مرد (یعنی پیامبر ﷺ) چه می‌گویی؟ اگر مومن باشد می‌گوید: گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و فرستاده‌ی اوست. پس می‌گوید: راست گفتی، سپس برایش دری به سوی آتش جهنم گشوده می‌شود و می‌گوید: اگر به پروردگارت کفر ورزیده بودی این خانه‌ی تو بود، اما اکنون که ایمان آوردی این منزل توسست؛ آنگاه برایش دری به سوی بهشت گشوده می‌شود. مومن [با دیدن بهشت] می‌خواهد به سوی آن برود، پس به او گفته می‌شود: آرام باش... سپس قبرش برایش فراخ می‌گردد. اما اگر کافر یا منافق باشد فرشته به او می‌گوید: درباره‌ی این مرد چه می‌گویی؟ می‌گوید: نمی‌دانم! شنیدم مردم چیزهایی می‌گفتند! فرشته می‌گوید: نه دانستی و نه اعتراف کردی و نه هدایت شدی! سپس برایش دری به سوی بهشت می‌گشایند و به او می‌گویند: اگر ایمان می‌آوردی این خانه‌ی تو بود، اما اکنون که کفر ورزیده‌ای الله عزوجل به جای آن این را به تو داده است؛ و دری به سوی آتش برایش گشوده می‌شود سپس با پتک چنان بر سرش می‌کوبد که همه‌ی آفریدگان به جز انسان‌ها و جنیان صدایش را می‌شنوند. مردم گفتند: ای رسول خدا، هر کس که فرشته‌ای را با پتک بالای سرش ببیند می‌ترسد [و نمی‌تواند سخن بگوید]! رسول الله ﷺ فرمود: الله متعال مومنان را با سخن ثابت، پایدار می‌سازد. علامه آل‌بانی این روایت را در تحقیق کتاب السنة ابی عاصم (۸۶۵) صحیح دانسته است.

۷- همانند عروس آسوده می‌خوابد.

۸- و قبرش برایش نورانی می‌شود.

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه میت - یا یکی از شما - را دفن نمودند، دو فرشته‌ی سیاه و آبی به نزدش می‌آیند. یکی از آن دو را منکر و دیگری را نکیر می‌گویند. پس [از میت] می‌پرسند: درباره‌ی این مرد چه می‌گفتی؟ پس آنچه را قبلا [در دنیا] می‌گفته می‌گوید: او بنده‌ی الله و پیامبرش هست و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست. پس می‌گویند: می‌دانستیم که این را خواهی گفت. سپس قبرش را برایش به اندازه‌ی هفتاد گز در هفتاد گز گسترده می‌سازند و آن را نورانی می‌کنند سپس به او می‌گویند: بخواب. می‌گوید: می‌خواهم نزد خانواده‌ام برگردم و آنان را [از حال خوبم] باخبر سازم. می‌گویند: همانند عروس [راحت] بخواب. خوابی که جز محبوب‌ترین کسانش او را بیدار نمی‌کنند، تا آنکه خداوند او را از خوابش بیدار می‌کند. و اگر منافق باشد می‌گوید: شنیدم مردم چیزی می‌گویند و من نیز مانند آنان گفتم و نمی‌دانم! به او می‌گویند: می‌دانستیم این را خواهی گفت. پس به زمین می‌گویند: به او فشار بیاور، پس زمین جمع می‌شود طوری که دنده‌هایش در هم می‌رود و همچنان در آن عذاب می‌شود تا آنکه خداوند او را مبعوث کند. به روایت ترمذی (۱۰۷۱) و آل‌بانی آن را در سلسلة الصحيحة (۱۳۹۱) صحیح دانسته است.

خواب او را برای این به خواب عروس تشبیه کرد زیرا عروس در بهترین و خوش‌ترین حالت است. (تحفة الأحوذی).

این برخی از نعیم و خوشی مومن در قبرش بود. از الله متعال خواهانیم ما را از اهل آن بگرداند.

والله اعلم